



گفت و گوی صبا با عوامل نمایش جریان

هنر نمایشی چهره‌ها بر صحنه تئاتر

نمایش «جریان» به نویسندگی و کارگردانی علیرضا معروفی که از ۲۹ تیر ماه در سالن اصلی تئاتر شهر به صحنه رفته است در کادر بازیگران خود از چهره‌های شاخصی مانند روزبه حصاری، خسرو احمدی، وحید نفر، الهه شه پرست و... بهره می‌برد. خبر نگار صبا گفت و گویی با عوامل این نمایش داشته که در ادامه می‌خوانید.

مریم عظیمی
گفت و گو

علیرضا معروفی:

ملاکم توانایی بازیگری است نه صرفاً چهره بودن

از تجاربتان در زمینه کارگردانی تئاتر و چگونگی ورودتان به دنیای نمایش بگویید

من از سال ۸۹ کارگردانی را با نمایش «قرمز و دیگران» که در کرج اجرا می‌شد آغاز کردم و پس از آن نمایشنامه «زمستان ۶۶» از محمد یعقوبی را به صحنه بردم و مسیر کارگردانی‌ام را با نمایش‌های «گندم»، «تعطیلات» و «رقص شب تاب‌ها» ادامه دادم تا اینکه نمایش «عقیم» را در تهران و بعد از آن نمایش «شکم» را در سالن قشقایی به صحنه بردم و در سال ۹۹ با نمایش «تنها» برگزیده اول جشنواره مقاومت شدم و اجرای عموم آن نیز در تالار سایه تئاتر شهر انجام شد. آخرین اثرم نمایش «تلفات» بود که در سالن مولوی و ایرانشهر اجرا شد. تحصیلات آکادمیک من کارشناسی معماری است ولی از طریق آموزشگاه سینمایی هفت هنر از سال ۸۷ با آقای محمد یعقوبی که استاد من بودند به دنیای نمایش وارد شدم.

نمایش جریان به چه موضوعی می‌پردازد و سبک اجرایی آن چیست و مدت تمرینات شما چقدر بوده است؟

قصه نمایشنامه جریان، قصه مصطفی سردبیر مجله‌ای است که در سال ۱۳۷۲ علیه شهردار و دولت وقت می‌نویسد و پیرو این قضیه یکسری اتفاقات برای او و همکارانش رخ می‌دهد. ما در سبک اجرایی و کارگردانی از تئاتر بی چیز پیروی کردیم و بازی‌ها نیز در بستر رئال شکل می‌گیرند و مدت تمرینات مان دو ماه و نیم بوده است.

برای اجرای این نمایشنامه ترجیح داده‌اید که از هیچ دکوری در صحنه استفاده نکنید برای مخاطبان از دلایل این انتخاب بگویید.

تعدد لوکیشنی که در نمایشنامه هست یکی از دلایل اصلی این انتخاب بود چرا که ساختن تمام آن لوکیشن‌ها و علاوه بر آن فضای ذهنی مصطفی مقدور نبود به همین علت من از اجرای این اثر به شکل رئالیستی پرهیز کردم و از طرفی تمایل داشتم تا از

قوه تخیل مخاطب بیشتر استفاده کنم طبیعتاً هر چقدر که شما به سمت بی چیز و ناچیز بودن در تئاتر حرکت کنید اتمسفر و هسته مرکزی نمایشنامه بیشتر به چشم می‌آید و دیده می‌شود.

نقش اصلی نمایش را آقای روزبه حصاری ایفا می‌کنند علت انتخاب ایشان برای این نقش چه بود؟

حدود پنج یا شش سال پیش از آقای حصاری تئاتری دیدم و از همان زمان این موضوع در ذهن من بود که قطعاً یک روزی از ایشان استفاده خواهیم کرد و برای یکی از نمایش‌هایم به ایشان پیشنهاد بازی خواهیم داد. به نظرم بازیگر بسیار خوبی هستند چون بدن، بیان و حس خیلی خوبی دارند و در واقع تمام ویژگی‌هایی که از شما یک بازیگر خوب می‌سازد در ایشان وجود دارد علاوه بر این آقای حصاری بخاطر سربال‌هایی هم که بازی کرده‌اند محبوبیت زیادی دارند که مزید بر علت شد و طبیعتاً اجرا در سالن اصلی تئاتر شهر هم حضور یک بازیگر چهره را در اجرا می‌طلبد اما ملاک اصلی من چهره بودن آقای حصاری نبود ملاک اول و اصلی من این بود که هم بازیگر خوبی هستند و هم شاکله ایشان به نقش بسیار نزدیک بود.

استفاده از چهره‌های مطرح در جذب مخاطب جدید چقدر تاثیر گذار است؟

سوالی که مطرح کردید خیلی سوال درست و خوبیست اما پاسخ به آن مبحث بسیار گسترده‌ای است چرا که این یک مسئله بسیار ریشه‌ای در تئاتر ما است. در دهه هفتاد و هشتم تئاتر اصلاً به این سمت نرفته بود و اصلاً چهره‌ها نبودند که به فروش یک نمایش کمک می‌کردند بلکه خود آن نمایش دارای ویژگی‌هایی بود که تعداد مخاطب بالایی را بدست می‌آورد اما اواخر دهه هشتاد و اوایل نود با شکل‌گیری چند تماشاخانه دولتی، خصوصی و نیمه خصوصی، کارگردان‌های بنامی که امروز تعدادی از آنها اصلاً در ایران نیستند برای بدست آوردن درآمد هنگفت از چهره‌های سینمایی در نمایش‌هایشان استفاده کردند تا مخاطب را به سالن‌های تئاتر بکشانند و آسیب اصلی را تئاتر از همانجا دید. درست است که آن کارگردانان و بازیگران‌شان درآمد خوبی از آن نمایش‌ها بدست آوردند اما ذائقه تماشاگر تئاتر

به این عادت کرد که در سالن تئاتر باید چهره ببیند. اینگونه است که استفاده از بازیگران چهره باعث می‌شود تا هم تیم اجرایی و هم تهیه‌کننده خیال‌شان از فروش اثر آسوده باشد اما ناگفته نماند که در طی این سال‌ها نمایش‌هایی بودند و هستند که بدون چهره هم مخاطب زیادی جذب کردند ولی به ندرت رخ داده است اما حقیقت اینست که تئاتر و مخاطبش به این سمت رفته است که حتماً باید بازیگر چهره بر صحنه تئاتر باشد، من شخصاً اصلاً این مسئله را دوست ندارم و برای انتخاب بازیگران چهره نمایش‌ام ملاک را بر توان بازیگری و نزدیکی آنها به نقش گذاشتم. از طرفی با وجود بالا بودن سطح کیفی نمایش و حضور بازیگران چهره و مطرح در گروه بازیگران، باز هم کشاندن مخاطب به سالن‌های نمایش سخت شده است که دلیل عمده‌اش هم اینست که تئاتر از سید فرهنگی خانوار حذف شده و شرایط مالی مردم هم خوب نیست، مدیران و مسئولان فرهنگی و هنری ما باید فکری به حال این مسئله کنند متأسفانه در این زمینه توپ در زمین گروه‌های هنری افتاده است و بار بر دوش آنها گذاشته شده بدون آنکه بستری برای جذب مخاطب، اسپانسر و تهیه‌کننده برای آنها فراهم شده باشد. فضای تبلیغاتی وجود ندارد حتی هزینه یک پست اینستاگرامی ساده یک میلیون تومان است و اگر در کمترین حالت ده پست بخوای باید ده میلیون تومان هزینه کنی و حالا این ده میلیون برای تو چه تعداد مخاطب می‌آورد؟ و اساساً برای این هزینه‌ها چه کسی به گروه نمایش کمک خواهد کرد؟ مرکز هنرهای نمایشی! نه سازمان فرهنگی هنری شهرداری! نه. حقیقتاً نه فقط من بلکه تمام همکارانم با مشقت زیاد تئاتر کار می‌کنیم.

با توجه به اینکه حرف و فضای نمایش شما به مسائل امروز جامعه بسیار نزدیک است آیا با محدودیتی در زمینه مجوز مواجه شده‌اید و آیا این نزدیکی به دغدغه روز جامعه در جذب مخاطب نمایش جریان موفق بوده است؟

در زمینه گرفتن مجوز مواردی بود که از طریق شورای نظارت به ما اعلام شد و به نظر می‌آمد که می‌تواند آسیب جدی به کار بزند اما با هوشمندی تلاش کردیم با جایگزینی صحیح اتفاقی که از نمایشنامه حذف شد به محتوا خدشه‌ای وارد نشود. اما دوستان شورای نظارت و کسانی که نمایش را دیدند در همه زمینه‌ها با ما همکاری کردند تا کار پیش برود و من از آنها ممنونم. خوشبختانه نمایش جریان تا این لحظه مخاطب خوبی داشته که باعث خرسندی است و بعد از اتمام ایام عزاداری محرم و تعطیلات مربوط به آن هم انتظار داریم که به همان قدرت اولیه پیش برود.

امید و آرزوی شما برای تئاتر ایران چیست؟

امید و آرزوی من برای تئاتر ایران اینست که تمام هنرمندان